

# کارمند وزارت خارجه امریکا یا ژورنالیست مستقل، کدام یک؟ - رضا فانی یزدی



دیروز در فیس بوک مقاله ای را به اشتراک گذاشتم که ماهها پیش توسط Eli Clifton در اعتراض به روزنامه واشنگتن پست نوشته شده بود که مطلبی از مسیح علینژاد را بدون ذکر وابستگی او به دولت امریکا چاپ کرده بود. او در این مطلب اشاره می کند که مقامات آمریکایی با به کار گرفتن ایرانی ها و با استفاده از آنها سیاست های خود را به پیش می برند و در اعتراض خود به روزنامه واشنگتن پست از آنها خواسته بود که متذکر شوند که خانم مسیح علینژاد به عنوان کارمند وزارت خارجه و همکار صدای امریکا معرفی شود و نه یک فرد مستقل ایرانی. در امریکا اگر کسی کارمند دولت است و روزنامه ها موضوعی های سیاسی او را درج می کنند باید موقعیت شغلی او را نیز متذکر شوند چرا که ممکن است تضاد منافع ایجاد شود، این دلیل اصلی اعتراض نویسنده این مقاله به واشنگتن پست بوده است. متأسفانه در میان ما ایرانی ها یا این پرنسیب ها ناشناخته است و یا ما به مصلحت سیاسی سعی می کنیم که در این موارد بی توجهی کرده و از کنار آنها با اما و اگرهایی بگذریم.



در میان کامنت هایی که در صفحه فیس بوک من گذاشته شد عده ای به شرف و حیثیت ژورنالیست ها اشاره کردند و عده ای گفتند که بالاخره ژورنالیست ها باید در جایی مشغول کار شوند و عده ای هم به میزان دستمزد و چشمگیر نبودن آن پرداختند که انگار موضوع اصلی میزان دستمزد بود و البته تعدادی از دوستان به اصل مطلب توجه کردند.\*

به نظر من بیشترین دوستان منتقد به مسئله اصلی، استقلال روزنامه نگاران از دولت ها، توجه نکردند و صحبت را پیرامون بحث های انحرافی کشانده اند.\*\*

در اینجا هیچ اشاره ای به کم اهمیت بودن کار ژورنالیستی در خارج از کشور نیست و اشاره ای هم به شریف بودن و یا شریف نبودن افراد نیست. ما وقتی از ژورنالیسم و یا ژورنالیست ها صحبت می کنیم اشاره ما به موسسات است و افرادی که در این موسسات کار می کنند که کار آنها ژورنالیسم به معنی واقعی آن است و نه پیشبرد سیاست یک دولت معین و پروپاگاندای یک وزارت خانه دولتی.

ژورنالیسم و ژورنالیست ها در حقیقت ستون چهارم دمکراسی هستند به این دلیل که مستقل از قوای سه گانه عمل می کنند و آنها را زیر سوال می برند. زمانی که ژورنالیسم به یکی از قوای سه گانه وابسته شود و یا بدتر از آن، بلندگوی تبلیغاتی بخشی از سیاست خارجی کشور گردد دیگر اطلاق استقلال ژورنالیستی مضحک و خنده آور است چرا که این نوع ژورنالیسم در حقیقت بخشی از دستگاه تبلیغاتی یک دولت شده است.

مدیریت رسانه های مستقل و تعیین خط مشی آنها مستقل از دولت است. رسانه ها با بودجه بخش خصوصی، کمک های مردمی و کمک های دولتی اداره می شوند و به افرادی که در این موسسات کار ژورنالیستی انجام میدهند ژورنالیست می گوئیم که کار آنها در خدمت آن رسانه است. مثلاً افرادی که در CNN یا Fox News در امریکا کار میکنند ژورنالیست هایی هستند که در این موسسه ها به کار مشغولند.

صحبت از این نیست که این ژورنالیست ها در زندگی شخصی خود با شرف هستند یا بی شرف. این کلمات شرف، یا بی شرف بار ارزشی دارند و متأسفانه ما ایرانی ها با استفاده از این کلمات بحث های اصلی را دور میزنیم. همه افراد به عنوان یک انسان قابل احترام هستند و شخصیت انسانی آنها باید مورد احترام قرار گیرد. آنچه مهم است حاصل کار و پیامد کار آنها و پروژه ایست که در آن کار می کنند. اینجا قضاوت شخصی نمی کنیم.

برای عده ای ژورنالیست هایی که در ایران هستند و یا در موسسات ایرانی کار می کنند بی شرف هستند و جالب است که همان افراد به محض اینکه پا به خارج از کشور می گذارند و با موسسات خارجی مشغول به کار می شوند و به گروه مخالفان با نظام جمهوری اسلامی ایران می پیوندند یک شبه با شرف می شوند. اینجا آب توبه بر سر آن ها می ریزند. این قضاوت ها هم نادرست و هم مغرضانه و هم انحرافی است و افرادی که به این شیوه ها متوسل می شوند به دنبال تحریف موضوع هستند.

بیشتر بخوانید: توزیع ثروت در آمریکا، فقر و فروپاشی طبقه متوسط - رضا فانی یزدی

ما در ایران افراد بسیاری را داریم که در نشریات ایران قلم می زنند و کار ژورنالیستی می کنند و بسیار هم با شرف هستند و بسیاری از آنها حتی وقتی امکان کار برایشان در ایران وجود ندارد به خارج از ایران می آیند و همچنان به کار ژورنالیستی خود علاقمند باقی مانده و در موسسات مستقل به کار ژورنالیستی خود ادامه می دهند. این باعث افتخار است که برخی از ژورنالیست های ما بتوانند در مجلات و روزنامه های معتبر و یا موسسات رسانه ای معتبر چون سی ان ان CNN یا فاکس نیوز Fox News یا لوموند Lomond و تایمز Times و یا در نیوزویک Newsweek و یا نیویورکر New Yorker و یا نشریات مشابه مطلب بنویسند و مطالب آن ها در چنین رسانه هایی مورد استقبال قرار گیرد. و البته باعث خوشحالی ما خواهد بود که این افراد افکار عمومی در جهان را از آنچه در کشور ما می گذرد آگاه کرده و در حوزه کار ژورنالیستی، چشم جهانیان را بر فساد و دیکتاتوری و فقدان آزادی در کشور ما باز کنند و موجبات حمایت اخلاقی جهانیان را از مبارزه مردم بر علیه نظام حاکم فراهم آورند.

صحبت ما در اینجا بر سر فعالیت خبرنگارانی نیست که در موسسه های خبری مستقل و خصوصی فعالیت می کنند، اینجا صحبت از استخدام در موسسه ایست که نامش صدای امریکاست Voice of America و وابسته به وزارت امور خارجه کشور ایالات متحده امریکاست.

بنابر این افرادی که در این موسسه کار می کنند چنانکه سیاست این موسسه هست باید سیاست وزارت امور خارجه امریکا را پیش ببرند و بنابر این نمی توانند ادعای استقلال شخصیت حرفه ای و یا استقلال سیاسی داشته باشند و مدعی شوند که پروژه های شخصی خود را پیش میبرند. در مورد دیگر کشورها هم چنین است، به یقین می توان گفت که کسی نمی تواند برای موسسه های وابسته به وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران یا عربستان سعودی و یا پاکستان و یا وزارت خارجه چین و روسیه کار کند و در همان حال مدعی شود که شخصیت سیاسی مستقل دارد و خود را بخشی از اپوزیسیون مردمی نظام جمهوری اسلامی ایران بداند. حتی اگر این افراد مخالف نظام اسلامی در ایران باشند آنچه در این موسسات انجام می دهند به تمایل شخصی آنها ربطی ندارد و باید خط سیاست آن وزارت خانه را پیش ببرند.

متأسفانه دشمنی ما با نظام جمهوری اسلامی ایران موجب شده که بسیاری از مباحث به جای خود مطرح نشوند و این اختلال در مفاهیم موجب آن شده که عده ای ایرانی با پیشبرد پروژه های سیاسی کشور های خارجی ادعای استقلال روزنامه نگاری و پیشبرد پروژه های ملی را دارند که از این بابت با بی اعتبار ساختن پروژه های ملی و پیوند زدن آنها با منافع دولت های خارجی بیشترین ضربه را به پروژه های ملی زده و می زنند.

نکته اصلی مقاله ای که در فیس بوک به اشتراک گذاشته شد این است که عده ای تحت نام ژورنالیست ایرانی صدای وزارت امور خارجه و مقامات کشور امریکا را در فضای سیاسی و مطبوعاتی انعکاس می دهند و از این بابت پول می گیرند و خانم مسیح علینژاد یکی از آنهاست که نویسنده آن مقاله به او اشاره کرده است وگرنه تعداد بسیاری دیگر از ایرانیان در این موسسات دولت های خارجی کار می کنند و همسان یا کمتر یا بیشتر از ایشان هم به جیب می زنند. این اصل قضیه است. شما اگر به همین پدیده در دیگر کشورها نگاه کنید، تصور نمی کنم به نتیجه دیگری برسید. مثلاً اگر افرادی ایرانی که به زبان فارسی صحبت می کنند و سیاست چین یا روسیه را در رسانه ای که وابسته به وزارت امور خارجه چین یا روسیه باشد به پیش ببرند و برای این کار با وزارت امور خارجه آن کشور قرارداد بسته و پول دریافت کنند نام آن را چه می

گذارید؟ آیا جز این است که در ازای دستمزد معینی سیاست چین یا روسیه را پیش میبرند؟ دیگر نباید گذشته حرفه ای آن افراد را در نظر گرفت که در گذشته چقدر مبارزه کرده‌اند و یا چه ادعایی داشته‌اند و یا نظام جمهوری اسلامی ایران در مورد آنها چه می‌گوید. نکته مهم این است که اکنون این افراد در ازای دریافت دستمزد از وزارت امور خارجه یک کشور دیگر سیاست آن کشور را با فعالیت رسانه‌ای تبلیغ می‌کنند، همین و بس. هیچ کار دیگری هم نمی‌کنند و هیچ ادعای دیگری هم جز پیشبرد سیاست وزارت امور خارجه کشوری که از آن دستمزد دریافت می‌کنند نمی‌توانند و نباید داشته باشند. حالا بسته به اینکه رابطه سیاسی آن کشور با جمهوری اسلامی ایران چه باشد، گاه این افراد در مخالفت با مقامات ایرانی صحبت می‌کنند و گاه در موافقت و این بستگی به سیاست کشوری دارد که این افراد را استخدام کرده و برای آن کشور و پیشبرد سیاست های آن کشور در موسسه ای که استخدامشان کرده به کار مشغولند. برای درک بهتر عدم استقلال این دسته از دوستان شاغل در رسانه های وابسته به دولت های خارجی، یکی از بهترین نمونه ها نوع برخورد آنها با سیاست های آقای ترامپ در این دوران است. می‌بینیم که درست در زمانی که دولت آقای ترامپ در داخل کشور امریکا مورد بیشترین انتقاد از طرف رسانه ها و شخصیت های آمریکایی قرار گرفته، رسانه صدای امریکا و کارمندان آن حق ندارند هیچ انتقادی به سیاست های آقای ترامپ و دارودسته او از جمله آقای پمپئو داشته باشند وگرنه چنانکه دیدید آقای ترامپ حکم اخراج آنها را صادر می‌کند همانطور که به تازگی رئیس این رسانه به خاطر اختلاف نظر با ترامپ در رابطه با ویروس کرونا و چین مجبور به استعفا شد.\*\*\* این رسانه اگر تاکنون بلندگوی دولت امریکا بوده است، اکنون به بلندگوی ترامپ تبدیل می‌شود.\*\*\*

بیشتر بخوانید: معجزه ننو لیبیر الیسم، تقسیم فقر و از بین بردن فرصت های برابر - رضا فانی یزدی

البته اینجا باید به چند نکته اشاره کرد. اول اینکه نباید تفاوتی میان افراد مختلف که برای موسسات خارجی وابسته به دولت ها کار می‌کنند گذاشت. همه آنها کارمندان این موسسات هستند و اگر به عنوان کارمندان موسسات خود را معرفی کنند و ادعایی و رای آن نداشته باشند هیچ ایرادی به کار آنها وارد نیست همانطور که همکاران غیر ایرانی آنها در آن موسسات به فعالیت مشغولند و کسی هم ادعایی علیه آنها ندارد. یعنی نه کسی آنها را شخصا مورد نقد قرار می‌دهد و نه حتی ما می‌دانیم و یا اهمیت می‌دهیم که نام آنها چیست یا گذشته آنها چه بوده و یا با کدام موسسه در گذشته کار می‌کرده‌اند.

بنابر این اصل موضوع ماهیت این موسسه است که وابسته به وزارت امور خارجه یک کشور خارجی است و به طور رسمی بلندگوی تبلیغاتی سیاست های خارجی آن کشور است. این نگرش را ما باید در مورد همه کشورها و دخالت های آنها در امور ایران داشته باشیم و برای ما نباید مهم باشد که چه بلندگوهایی را به کار می‌برند و یا به چه زبانی صحبت می‌کنند و یا چه افرادی را پشت ویتزین های تلویزیونی و رسانه‌ای خود به نمایش می‌گذارند. مهم این است که همه آنها نیروی پیشبرنده سیاست خارجی کشوری دیگر هستند و اگر ادعای دفاع از منافع ملی مردم ایران را داشته باشند مسخره است، همین و بس. در امریکا و دیگر کشورهای دمکراتیک به این کار یعنی ارایه چهره متفاوت Misrepresentation می‌گویند و این کار غیرقانونی است. به همین دلیل هم نویسنده مقاله مورد نظر از واشنگتن پست خواسته است که مسیح علینژاد را به عنوان کارمند VOA معرفی کنند و نه یک فعال مستقل زنان و یا هر عنوان دیگری و نشریه واشنگتن پست هم اینکار را کرد.

بیشتر بخوانید: ننو لیبیر الیسم (۳): وحشت سرخ، سرکوب کمونیست ها و اتحادیه های کارگری - رضا فانی یزدی

بعضی از دوستان وارد بحث انحرافی میزان حقوق و قیمت قرارداد خانم علینژاد شده‌اند و به نظرشان سیصد و پنج هزار دلار برای چهار سال مبلغ قابل توجهی نیست و ازین بابت به من ایراد گرفته‌اند که گویا این مبلغ را بزرگ جلوه داده‌ام. انگار که اگر مثلاً این قراردادها چند میلیون دلاری بود آنوقت موضوع تغییر می‌کرد و کار ایشان ایراد می‌داشت. من متوجه نمی‌شوم که خط قرمز آنها از نظر قیمت چقدر است و اساساً چرا قیمت قرارداد باید مهم باشد. به نظر من این بحث، یعنی قیمت قرارداد و میزان دستمزد کاملاً انحرافی است چراکه میزان دستمزد مهم نیست و مساله استقلال ژورنالیستی است.

در امریکا ایرانیانی هستند که در رسانه ها فعالیت می‌کنند و فعالیت های آن ها از نظر ژورنالیستی بسیار برجسته بوده و دستمزد های چند میلیون دلاری هم در سال میگیرند، مثلاً خانم کریستینا امانپور در CNN سال های طولانی است که فعالیت می‌کنند و احتمالاً دستمزد ایشان بسیار هم بالاست و موجب افتخار جامعه ایرانی هم هستند و ایرادی هم به کار ایشان نیست. اگر مسیح علینژاد هم در چنین موقعیتی بود حتماً موجب افتخار همه ما بود.

در پایان خوب است که باز تاکید کنم که برای ما نه گذشته مبارزاتی این افراد مهم است و نه میزان دستمزد آنها. ما آنها را نه به خاطر گذشته و نه به خاطر میزان دستمزدی که می گیرند قضاوت نمی کنیم. انتظار من این است که این افراد خود را همان که هستند معرفی کنند و در معرفی خود به مردم دروغ نگویند و تقلب نکنند. نگویند که ما فعال حقوق بشر یا فعال حقوق زنان یا بخشی از اپوزیسیون دموکراتیک ایرانی هستیم، کاش روراست بگویند که ما پیمانکار هستیم. این افراد پیمانکارانی هستند که یا به شکل موقتی یا به شکل دائمی به استخدام رسانه های تبلیغاتی دولت های خارجی درآمده اند. در اینجا موضوع سخن من فقط صدای آمریکا نیست، اینجا باید به همه موسسات دیگری که به وزارتخانه های خارجی دیگر کشورها وابسته هستند نیز اشاره کرد. همه این موسسات و رسانه ها چه در لندن باشند و یا در واشنگتن، چه در پاریس باشند و یا پراگ، و چه در حیفا و یا کلن و یا ریاض، چه بی بی سی باشد و یا صدای آمریکا و چه رادیو فرانسه باشد یا رادیو فردا و چه صدای اسرائیل باشد یا دویچه وله و یا العربیه، همه موسسات وابسته به دولت های خارجی هستند و نباید ادعای دیگری داشته باشند. همه کارمندان این موسسات تا آنجایی که به اساسنامه موسسات و قرارداد کاری آنها مربوط است باید سیاست خارجی کشور مربوطه را به پیش برند و تا زمانی که در آن موسسات کار می کنند امکان بیان نظرات سیاسی مستقل خویش را ندارند مگر اینکه کاملاً در راستای سیاست آن موسسه باشد. و اگر جز این می گویند به من و شما دروغ می گویند و به شعور ما توهین می کنند.

روشنفکران ما، فعالین حقوق بشر ما، فعالین سندیکایی ما و سیاسیون ما هنگامی که به استخدام وزارتخانه های خارجی در می آیند و برای آنها ایفای نقش می کنند دیگر نباید از آن پس ادعای روشنفکری، فعال حقوق بشری و سندیکایی ایرانی داشته باشند چرا که پس از آن جزئی از دستگاه تبلیغاتی دولتی یک کشور خارجی شده اند. ادعای اینکه سیاست مستقل خود را به پیش میبرند دروغی بیش نیست.

رضا فانی یزدی

۵ آگوست ۲۰۲۰

<https://responsiblestatecraft.org/2020/01/06/u-s-media-outlets-fail-to-disclose-u-s-government-ties-of-iranian-journalist-echoing-trump-talking-points>

<https://www.facebook.com/rezafani>\*\*

<https://www.wsj.com/articles/voice-of-america-director-resigns-after-clashing-with-trump-administration-11592259031> \*\*\*

<https://www.theatlantic.com/ideas/archive/2020/06/voice-america-will-sound-like-trump/613321>